



مصاحبه با دکتر موسا غنی نژاد

درباره طرح پرداخت مستقیم یارانه انرژی

لیونا عیساقلیان

اگر هدف دولت غیردولتی کردن اقتصاد و آزادسازی اقتصاد و توسعه بخش خصوصی است، بهتر است اول این اقداماتش را متوقف کند تا زمینه لازم برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد شده و سپس دولت یارانه‌ها را بردارد. یکی از اقدامات حذف یارانه‌ها پذیرش نظام بازار از سوی دولت است. در صورتی که در شرایطی که دولت در حال قیمت‌گذاری در بخش‌های مختلف می‌باشد با نوعی تناقض روبه‌رو هستیم. حتی در قسمت‌هایی از بخش خصوصی از جمله بانک‌ها حتی بانک‌های خصوصی دولت در حال قیمت‌گذاری است. اگر دولت درصدد کوچک شدن بخش دولتی و توسعه بخش خصوصی است ابتدا باید سایه‌ی کنترل‌هایش را از نظام بازار بردارد. در صورتی که بازار رقابتی شد در این شرایط دولت دیگر یارانه‌هایش را نباید پردازد و درآمدهایی که در اختیار داشت و پیش‌تر به عنوان یارانه انرژی پرداخت می‌شد به صورت نقدی پرداخت شود. براساس چنین چارچوبی، این طرح قابل دفاع است. اما در صورت عدم آزادسازی اقتصاد و پرداخت مستقیم یارانه‌ها من دچار تردیدم که دولت به دنبال انجام چه چیزی است؟ بیشتر به نظر می‌رسد که دولت قصد دارد پولی را به مردم دهد که محبوبیتش را بالا ببرد، اما این که چه آثار و عواقب اقتصادی را همراه خواهد داشت را در نظر نمی‌گیرد و این که این طرح در جهت کدام چارچوب تئوری و سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد را رها کرده.

اما این طرح در صورت اجرا، دولت‌های بعدی را نیز وادار به ادامه‌ی آن می‌سازد.

بله صد در صد. به‌طور کلی دولت نباید یارانه‌ای پردازد. در شرایطی که ما قرار گرفته ایم و دولت پول نفت را در اختیار دارد و مردم در عسرت و تنگدستی هستند مجبور است یارانه‌ای را پرداخت کند و بهتر است به اقشار کم درآمد کمک کند.

پرداخت یارانه نقدی بهتر از یارانه‌ی جنسی است چون یارانه‌ی جنسی فسادآور است. اما پرداخت یارانه‌های نقدی الزامات خاص خود را به دنبال دارد که در وهله

در راستای تحولاتی اقتصادی ظاهراً قرار است تحولاتی در اقتصاد سال ۸۷ صورت گیرد و رییس جمهوری خبر از آن داده است، خبرهای به‌دست آمده از برخی منابع حاکی از پرداخت نقدی یارانه‌ها و مخصوصاً حذف یارانه‌های انرژی است. به نظر شما طرح مذکور چه تحولی را برای اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت؟

برخی اخبار حاکی از چنین طرحی است که دولت مطالعه درباره این موضوع را به بانک مرکزی واگذار کرده، تا راه‌کاری را در این مورد ارائه دهد. برای خود من این موضوع چندان روشن نیست. اگر هدف برداشتن یارانه‌های انرژی و پرداخت معادل آن به مردم و به عنوان مثال اقشار کم درآمد جامعه باشد، مستلزم یک برنامه‌ریزی و سازماندهی خیلی قوی است که گروه‌های هدف و روش‌های پرداخت را شناسایی کرده و سپس آن را انجام دهند. اگر تمامی شرط‌های مذکور اجرا شود، این طرح خوب و مثبت است، به این معنا که قیمت انرژی را آزاد و به عهده بازار واگذار کنند و از طرف دیگر یارانه‌ها را برداشته و دیگر یارانه‌ای نپردازند. یارانه در واقع مربوط می‌شود به مبلغی که دولت خودش پرداخته و البته بخشی از آن مربوط می‌شود به کالاهایی که احتمالاً در بخش خصوصی تولید شده و دولت می‌خواهد قیمتشان را پایین نگه دارد. اما سوال این است که هدف از انجام چنین کاری چیست؟ هدف هدف‌مندسازی یارانه‌ها است، کمک به اقشار پایین و آسیب‌پذیر جامعه است و یا جلوگیری از اتلاف منابع؟ یا این که نه، هدفی وسیع‌تر در نظر است که اقتصاد دولتی را کوچک کرده، اقتصاد را آزاد کنند یعنی آزادسازی اقتصادی انجام دهند. اگر هدف چنین باشد دولت ابتدا باید از مقدماتی شروع کند که خیلی مهم‌تر هستند. حتی مقدماتی که از بحث یارانه‌ها نیز مهم‌تر هستند و آن هم دخالت در بازارهایی است که دولت در حال حاضر در حال دخالت در آنها است. در شرایط کنونی دولت در بازارهایی از جمله بازار کار، سرمایه، پول و کالا دخالت کرده و قیمت‌گذاری می‌کند.

می‌رسد که این اشتباهات سیاست‌گذاری اتفاقاً و در حقیقت، استراتژی‌های عقلایی هستند که سیاست‌مداران آن‌ها را در پاسخ به تمایلات مختلف، به علت اغواگری‌های رانت‌های ناشی از نفت، انجام می‌دهند. و تا هنگامی که توزیع این منابع در اختیار دولت است، این اشتباهات نیز مکرراً ادامه پیدا خواهند کرد. به طور خلاصه باید گفت که ما درگیر بازی-ای هستیم که قواعد این بازی با نهادهای توسعه نیافته کشور ما جور در نمی‌آید. به همین دلیل است که آن چه اشتباه است (برای فرآیند رشد بلندمدت کشور مضر است)، اتفاقاً راه‌کار بهینه با توجه به عقلانیت ایزاری نیز هست! چرا که در این بازی؛ درآمدهای ناشی از منابع طبیعی، به حکومت تعلق می‌گیرد و متصدی تصمیم می‌گیرد که منابع در هر یک از این دو راه مصرف گردد: متصدی می‌تواند درآمد حاصله را به علت مشکلاتی که برای سیستم اقتصادی پدید می‌آورد، مصرف نکرده و در صندوقی نگاه‌داری کند و یا این که می‌تواند آن را میان هواداران و گروه‌های بالقوه پشتیبان برای تاثیرگذاری بر نتیجه انتخابات، تقسیم نماید. خب از این منظر، مشخص است که استراتژی عقلایی چیست!

بنابراین یا باید نهادهای کشور را که حاصل روندی تکاملی، خارج از قدرت شناخت انسان و دارای تاریخی مشخص هستند را تغییر داد و نهادهای جدیدی ایجاد کرد (که عملاً غیرممکن است و تجربه زیسته صندوق ذخیره ارزی نیز این امر را برای ما بیش از پیش مسجل کرد) و یا باید قاعده بازی را تغییر داد. و قاعده بازی این است که؛ «درآمدهای ناشی از منابع طبیعی، به دولت تعلق می‌گیرد»؛ این قاعده را می‌توان با توزیع مستقیم درآمدهای نفتی میان مردم به راحتی تغییر داد. و مزایای فراوان آن، که در قبال مضرات اندکش به وضوح برتری مطلق دارند را به انتظار نشست. ■

1. Sachs and Warner 1995, 1997; (Auty 2001; Papyrakis and erlagh, 2004 2 برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به (van Wijnbergen, 1984; Sachs and Warner, 1995, 1999, 2001; Bravo-Ortega and de Gregorio, 2002 3 برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به : (Gylfason, 2001a,b ; Gylfason, Herbertsson and Zoega, 1999 4 برای مطالعه بیشتر در این مبحث مراجعه شود به : (Gylfason and Zoega, 2001; Sachs and Warner, 1995, 1999 5 برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به (Karl, 1997) ; Robinson et al. 2006 ; Baland and Francois 2000 ; Krueger 1974 6. Torvik 2002 ; Kronenberg, 2004 ; Mehlum, Moene and R. Torvik, 2006(a,b); Stijns, 2002;)

اول باید گروه‌های هدف شناسایی شوند. آیا چنین کاری انجام شده یا خیر. من تردید دارم.

شنیده‌ها حاکی از آن است که پرداخت نقدی ابتدا به همه صورت می‌گیرد و سپس به گروه هدفی مشخص، با توجه به عدم دسترسی به آمار و اطلاعات شفاف در خصوص شناسایی درست اقسار آسیب‌پذیر، امکان اجرای این امر وجود دارد؟

راحت‌ترین راه برای شروع پرداخت به همه است که به عنوان مثال دارای شناسنامه و کارت ملی‌اند، اما انجام همین موضوع کار آسانی نیست و مستلزم شناسایی و راه‌اندازی سیستمی مالی از طریق بانک‌ها است یا چه نهادی دیگر است. اما آیا پرداخت نقدی به همه درست است؟ دهک‌های بالای جامعه چه نیازی به پرداخت چنین پول‌هایی دارند؟

اما آیا شناسایی دقیق دهک‌های پایین برای دولت امکان‌پذیر هست؟
بله این هم خودش مسئله‌ای است. چون هنوز مکانیزم مشخصی برای شناسایی دهک‌های پایین در اختیار نداریم. حرف‌های زیادی در این رابطه زده شده اما عملاً هنوز کاری انجام نشده است.

در صورت اجرای این طرح رانت جویی و فساد از میان خواهد رفت؟

حقیقتی در این حرف وجود دارد که وقتی یارانه‌ی مستقیم را به جای غیرمستقیم می‌پردازیم باعث کمتر شدن رانت‌جویی می‌شود. اما برگردیم به حرفی که اول زدم، وقتی که دولت‌ها در همه‌ی بازارها قیمت‌گذاری می‌کند و باعث ایجاد قیمت‌های دوگانه در بازار می‌شود (مثل بازار پول که در تفاوت در ارزش بازار رسمی و غیررسمی وجود دارد). این مسائل خود بزرگ‌ترین عامل فساد است: سیمان دولتی / آزاد، پیروشمی دولتی / آزاد، فولاد دولتی / آزاد، پول دولتی / آزاد و... این فساد ایجاد

شده را چه می‌خواهد کند که اصل کار است. وقتی که دخالت دولت در اقتصاد وجود دارد، فساد هم وجود دارد. فساد و رانت‌ها وقتی از بین می‌روند که دولت قیمت‌گذاری نکند و در بازار تنها یک قیمت وجود داشته باشد و در

این صورت می‌توان باور کرد که پرداخت نقدی و مستقیم دارای فساد کمتری است، اما نه این که اصلاً فساد نباشد. در صورت توزیع یارانه مستقیم هم امکان فساد وجود دارد چون توزیع‌کننده دستش

باز است که به چه کسی بدهد، چه مقدار دهد و یا چه مکانیزمی.

آقای جهرمی، وزیر کار، معتقد بودند که این امر منجر به شوک اقتصادی می‌شود، نظر شما در این ارتباط چیست؟

بله ولی منظور آقای جهرمی این است که پس این کار را نکنیم؟ عرض کردم خیلی روشن نیست که دولت می‌خواهد چه کاری انجام دهد. اگر هدف آزادسازی است، این راهش نیست و ابتدا باید کنترل قیمت‌ها از میان برود و طرح مذکور بخشی از این سیاست می‌شود و دولت کالایش را در بازار خواهد فروخت یا نه. و دادن یا ندان یارانه و نحوه پرداخت آن، بحث دیگری است. این موضوعات هیچ کدام روشن نیست. دولت بدون این که در مورد آزادسازی صحبتی کرده باشد از برداشتن یارانه حرف می‌زند، که من نمی‌فهمم به چه معناست.

وزیر اقتصاد اظهار کردند که این طرح باعث شکوفایی اقتصاد و انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌شود.

وزیر این حرف را به این فرض گفته‌اند که کنترل‌های دولت برداشته می‌شود و به نظر می‌رسد به خاطر داشتن چنین دیدگاهی است که می‌خواهند ایشان را تغییر دهند. چون بدون برداشتن کنترل‌هایی که بر بازار دارد، توقع این که بخش خصوصی در بازارها سرمایه‌گذاری کند، بعید است. مثلاً وقتی کنترل‌هایی بر بانک‌های خصوصی انجام می‌شود بخش خصوصی واقعی در بانک‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

این طرح چه آثار تورمی‌ای را به دنبال خواهد داشت؟

چون موضوع هنوز خیلی روشن نیست، نمی‌توان گفت حتا چه اثری بر تورم خواهد داشت. اما به گفته‌ی آقای جهرمی شوکی ایجاد خواهد شد درست است. **چون حجم پولی تزریق می‌شود؟** خیر، به نظر من حجم پولی زیادی

در شرایط کنونی دولت در بازارهایی از جمله بازار کار، سرمایه، پول و کالا دخالت کرده و قیمت‌گذاری می‌کند. اگر هدف دولت غیر دولتی کردن اقتصاد و آزادسازی اقتصاد و توسعه بخش خصوصی است، بهتر است اول این اقداماتش را متوقف کند تا زمینه لازم برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد شده و سپس دولت یارانه‌ها را بردارد.

تزریق می‌شود نه، این پول جابه‌جا می‌شود چون از جایی که به عنوان یارانه صادر می‌شود به مردم از طرف دیگر از مردم به عنوان قیمت‌های بالاتر انرژی گرفته خواهد شد. بنابراین آن چه که به مردم داده می‌شود از طریق فرآورده‌های انرژی از ایشان گرفته می‌شود و پول جدیدی تزریق نمی‌شود.

آیا این طرح سرنویشت پرداخت نقدی یارانه‌ی تخم مرغ و مرغ دوران سازنده‌گی را که با شکست مواجه شد را خواهد داشت؟

این موضوع شکست یارانه‌های نقدی نیست بلکه شکست کل سیستم یارانه‌ای است. بله مدتی برای مرغ یارانه مستقیم پرداخت شد و پس از مدتی فراموش شد. همه یارانه‌ها چنین سرنویشتی را دارند. به این علت که در ابتدا که یارانه داده می‌شود مثلاً یارانه‌ی مستقیم پنجاه هزار تومانی برای یک خانوار پنج نفره، ۲۵۰ هزار تومان می‌شود که برای یک خانوار شهرستانی و روستایی رقم قابل ملاحظه‌ای است. اما پس از یکی دو سال بعد این امر آن‌قدر باعث تورم می‌شود که این مبلغ را اگر به ۱۰۰ هزار تومان تبدیل نکنند خودبه‌خود رقم ناچیزی می‌شود. و حتی عده‌ای سراغ آن نیز نمی‌روند. همان اتفاقی است که برخی در شهرها دیگر سراغ گرفتن این مبلغ برای مرغ نرفتند. یارانه نقدی هم چنین است مگر این که با نرخ تورم تعدیل کنند که بعید می‌دانم چنین کاری را انجام دهند.

پس شما روی کرد مثبتی در نهایت به این طرح ندارید.

خیلی این طرح روشن نیست و چارچوب نظری و تئوریک سازگاری را ندارد. از طرفی می‌خواهد بازار را به نیروهای بازار واگذار کند و از طرف دیگر بازار نیز کنترل بازار را حفظ کند.

اما اگر در راستای آزاد سازی باشد شما از این طرح دفاع می‌کنید؟

بله حتی اگر آقای احمدی نژاد این هدف را داشته باشند من از این طرح حمایت می‌کنم که ایشان کاری درستی را انجام می‌دهند. ولی آیا هدف آن‌ها چنین است؟ من که تردید دارم و فکر می‌کنم دولت اعتقاد به بازار ندارد. چون کارهایی که دولت انجام می‌دهد مقطعی است. این که دولت بگوید این امر استراتژی و هدف ما است این خوب است اما این گونه نمی‌گوید.

این دولت بیش‌تر از دولت‌های قبلی در بازارها دخالت می‌کند.

باتشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید. ■